

## سیاست جنایی تقنینی ایران در باب کنترل جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی

علیرضا شکرپیگی<sup>۱\*</sup>

معین مرادی<sup>۲</sup>

### چکیده:

**هدف:** در جهان امروزی امنیت اقتصادی در منابع ملی یک کشور و سلامت روابط مالی و اقتصادی اشخاص و نهادها، شالوده امنیت یک جامعه است. تأمین زیر ساخت‌های اقتصادی پیشرو و پویا عاملی برای قدرت ملی است ولی دوام این قدرت به سلامت و شفافیت فعالیت‌های اقتصادی است. امروزه ضرورت کنترل مفاسد اقتصادی در منابع ملی و لزوم سیاست جنایی در جامعه کاملاً محسوس است. طبق آمارهای موجود جرائم منابع ملی از لحاظ کمی و کیفی در سطح کشور در حال افزایش می‌باشد به طور روزمره شاهد شنیدن اخباری در خصوص تصرف اراضی کشاورزی، منابع طبیعی، معادن، و سایر منابع ملی هستیم. لذا با توجه به آنچه گفته شد هدف این تحقیق کنترل جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله فساد اقتصادی مرتبط با منابع ملی (زمین خواری) است و این امر نیز مستلزم اتخاذ سیاست جنایی مناسب در هریک از مراحل تقنینی، اجرایی، قضایی و مشارکتی است. روش **شناسی:** توصیفی - کتابخانه‌ای است. **یافته‌ها:** در قالب چهار مبحث نشان داد که در قلمرو حقوق کیفری ماهوی مرتبط با جرائم زمین خواری اولاً جرم‌انگاری مناسب صورت نگرفته و شاهد معایب و نواقص خاصی هستیم. ثانیاً مجازات‌های تعیین شده از لحاظ نوع و شدت جنبه بازدارندگی کیفری مناسب ندارند. **نتیجه‌گیری:** لزوم (اتخاذ سیاست جنایی علمی و عقلایی با مشارکت فعال ارکان مختلف حاکمیت در راستای سیاست جنایی تقنینی، قضائی و اجرایی) با جلب مشارکت عمومی (در راستای سیاست جنایی مشارکتی) در کنترل فساد اقتصادی در قلمرو منابع ملی را خواستار است.

**واژگان کلیدی:** سیاست جنایی، سیاست تقنینی، مفاسد اقتصادی، زمین خواری.

<sup>۱</sup>مری گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. نویسنده مسئول: E-mail: ali.shakarbaigi@gmail.com

<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

با افزایش شدید تخریب و بهره‌برداری بی‌رویه از جنگل‌ها و مراتع در اوایل سدهٔ اخیر، نیاز به دخالت دولت و در دست گرفتن مالکیت و مدیریت این منابع به منظور حراست و بهره‌برداری صحیح و علمی از آن توسط حکومت احساس شد. این عامل به انضمام برخی انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی دیگر باعث شد تا دولت در دههٔ چهل فکر ملی کردن جنگل‌ها و مراتع را عملی سازد. «قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب ۲۷/۱۰/۴۱» نخستین قانونی بود که به طور قاطع، بر مالکیت دولت بر تمامی جنگل‌ها و مراتع تأکید و مالکیت خصوصی را بر این نوع از اراضی نفی نمود. و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز نه تنها مهر تأیید بر اکثر مقررات تصویب شده در زمان رژیم سابق در خصوص موضوع نهاده شد، بلکه بر مبنای قوانین شرعی و دستورات فقه شیعه منبعث از قرآن کریم و سیره معصومین (علیهم السلام) تعلق منابع طبیعی و جنگل‌ها و مراتع به عموم مورد تأکید قرار گرفت و جایگاه و موقعیت قانونی آن از سطح قوانین عادی به متن قانون اساسی ارتقاء یافت و اصل چهل و پنجم قانون اساسی صریحاً از جنگل‌ها و مراتع به عنوان انفال و ثروت‌های عمومی در اختیار حکومت نام برد. بنابراین جنگل‌ها و مراتع از این جهت از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مضافاً اینکه از نظر کمی نیز بیش از ۶۰ درصد مساحت کشور (سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور، ۱۳۸۸: ۶) و جزء مهمی از حاکمیت ارضی دولت را تشکیل می‌دهد. جنگل‌ها، مراتع، اراضی جنگلی و بیشه‌های طبیعی که در فقه شیعه از آنها با عنوان «انفال» یاد شده بخشی از اموال عمومی کشور به معنای خاص هستند که به موجب ماده یکم قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب ۲۷/۱۰/۱۳۴۱ مالکیت اشخاص غیر دولت بر آن باطل اعلام شد (سماوی، ۱۳۹۲: ۷).

شناسایی منابع ملی هر کشور و تعیین جایگاه این منابع در توسعه مبحث مهمی است که کم و بیش مورد توجه قرار گرفته است. به عنوان مثال بحث تبدیل منابع طبیعی به سرمایه انسانی و دیگر دارایی‌های کشور از دیرباز مورد توجه دانشمندان علم توسعه قرار گرفته است (میراحسنی، ۱۳۹۱: ۷۳-۱۰۶). داشتن منابع طبیعی و درآمد آن، نه به طور مستقیم، بلکه از مسیرهای دیگری مانند تغییر فرهنگ کار، تغییر سیاست‌ها، تغییر نوع تولید، ایجاد وابستگی به بخش استخراج منابع، بالا بردن نرخ ارز و افزایش واردات، در بلندمدت بر روی رشد اقتصادی اثر منفی می‌گذارد. این درآمدها با تقویت نقش و جایگاه دولت در اقتصاد، در کنار وجود نهادهایی با زیرساخت قانونی ضعیف نیز به بروز فساد و ایجاد فرصت‌های رانت جویی برای در اختیار گرفتن درآمد ناشی از منابع کمک می‌کند و می‌تواند پدیده‌هایی همچون فساد و بی‌عدالتی را افزایش دهد (عزتی و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۴). هرچند در عرصه قانون گذاری شاهد تدوین و تصویب قوانین زیست محیطی متعددی بودیم، ولی به دلیل گستردگی و پراکندگی، عدم انسجام، رویکرد سنتی، عدم توجه به اصول حقوقی، عدم تناسب جرم و کیفر و عدم توجه به مبانی جرم‌انگاری

قوانین مرتبط با منابع طبیعی شاهد به وجود آمدن مجموعه‌ای از قوانین ناقص، موازی و فاقد بستر اجرایی لازم هستیم (اکبر آبادی، ۱۳۹۱: ۱).

پدیده زمین خواری از طریق تغییر غیرقانونی کاربری و تصرف غیرقانونی اراضی، در چند دهه اخیر به یکی از معضلات اجتماعی تبدیل شده است و از این رو پدیده زمین خواری روبه افزایش است. در نظام حقوقی ایران، قوانین و مقررات مختلفی در زمینه مالکیت بر زمین، حمایت از حقوق مالکانه و جلوگیری از تغییر غیرقانونی کاربری و تصرف غیرقانونی زمین به تصویب رسیده است، اما در عمل، مقابله با شیوع پدیده‌ای موسوم به زمین خواری، با مشکلات حقوقی، اجتماعی و اقتصادی مواجه است. یکی از مشکلات عمده در این زمینه، فقدان تعریف روشنی از این پدیده مجرمانه است. در قوانین ایران، عنوان مجرمانه‌ای با عنوان «زمین خواری» وجود ندارد و این اصطلاح بیش‌تر در عرف اداری و اجتماعی رواج پیدا کرده است (نصیری، ۱۳۹۲). با این حال می‌توان برای این جرم مصادیقی بیان کرد. مانند جعل سند منتهی به تصرف و تغییر کاربری اراضی و نهایتاً الزام مراجع قانونی به تجویز تغییر کاربری برای فروش آنها به قیمت بالاتر. در جرم زمین خواری حداقل دو عنصر مادی: «تغییر غیرقانونی کاربری زمین» و «تصرف غیرقانونی زمین» قابل ارتکاب است که می‌تواند همراه باهم، با به صورت مجزا محقق شود (مشهدی و فیروزی، ۱۳۸۷: ۵۶). اکنون به بررسی جرم زمین خواری از طریق تغییر غیرقانونی کاربری و تصرف غیرقانونی اراضی، به این معضل قانونی می‌پردازیم.

## روش شناسی

از آنجا که هدف این مقاله سیاست جنایی تقنینی ایران در باب کنترل جرائم و ناهنجاری‌های اجتماعی و مربوط به بخش زمین خواری است، لذا روش شناسی این تحقیق، توصیفی-کتابخانه‌ای است که در این زمینه با رجوع به قوانین مربوطه در قانون اساسی به این امر پرداخته شده است.

## یافته‌ها

مبحث اول: تعریف و انواع اراضی ملی: بند اول: تعریف اراضی ملی: «اراضی» جمع کلمه «ارض» و به معنی زمین است. زمین، در قانون اصلاحات ارضی، زمین زیر کشت یا آیش است که برای یک یا چند نوع از امور کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۳۴۳). واژه «ملی» در فرهنگ لغت به معنی «منسوب به ملت» و «آنچه در ید و اختیار ملت است» آمده است و «گاهی توسعاً در زبان فارسی دولتی را نیز به سبب وابستگی دولت به ملت ملی گویند» (دهخدا، ۱۳۷۳). در ترمینولوژی حقوق کلمه «ملی» از جمله به معنی «وابسته و مرتبط به یک دولت» آمده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲: ۶۸۷). در فرهنگ فارسی معین نیز «ملی» به معنی «آنچه مربوط به قوم و ملت باشد» آمده است. بنابراین اراضی ملی در مفهوم عام نوعی از اراضی است که

متعلق و مربوط به همه ملت باشد؛ و چون اعمال حاکمیت و مالکیت مردم یک کشور بر اموال مشترک متعلق به آنان توسط دولت و به نمایندگی از ملت صورت می‌گیرد، بنابراین می‌توان گفت اراضی ملی شده اراضی است که متعلق به عموم مردم بوده و در نتیجه اعمال مالکیت بر آن ناچار توسط دولت از جانب ملت صورت می‌پذیرد. اراضی ملی، زمین‌های موضوع ماده یکم قانون ملی شدن جنگل‌هاست که در اجرای این قانون و مقررات بعدی به عنوان اموال عمومی، ملی اعلام و ضمن سلب مالکیت خصوصی از آن به مالکیت دولت درآمده است و (برخلاف عنوان این قانون) علاوه بر جنگل‌ها شامل مراتع، بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی واقع در محدوده سرزمینی کشور ایران نیز می‌باشد. در برخی مقررات و نوشته‌ها از اراضی ملی شده به عنوان «اراضی منابع طبیعی» یا «اراضی منابع ملی» نام برده می‌شود و این عبارات به صورت جایگزین و یا مرتبط با یکدیگر به کار می‌روند. دلیل این کاربرد آن است که جنگل‌ها، مراتع، بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی بخشی از منابع طبیعی هر کشور را تشکیل می‌دهند (کردوانی، ۱۳۶۹: ۱۹).

بند دوم: انواع زمین در قوانین موضوعه ایران: به طور مختصر اگر بخواهیم انواع زمین را در قوانین موضوعه نام ببریم می‌توان به زمین موات، زمین‌های ساحلی، اراضی خالصه، زمین‌های مجهول‌المالک، زمین‌های مسلوب‌المنفعه، زمین‌های موقوفه، زمین‌های دایره، زمین‌های بایر، زمین‌های زراعی، مرتع، زمین‌های بیابانی، زمین‌های کویری و اراضی جنگلی اشاره نمود (مهدوی و غفاری، ۱۳۹۰: ۳) که می‌توان موضوع بحث ما باشند.

مبحث دوم: زمین‌خواری اصطلاحی است که چند سال اخیر به علت سوء استفاده‌های مختلف و کثرت کلاهبرداری‌هایی که در املاک و اراضی، رواج یافته است و در قوانین ایران از اصطلاح زمین‌خواری تعریفی به عمل نیامده است و عنوان مجرمانه‌ای به این نام وجود ندارد ولی می‌توان گفت عنصر مادی زمین‌خواری، تحصیل زمین نامشروع، تصاحب زمین غیر یا تصرف انواع اراضی، به ویژه املاک متعلق به دولت به مفهوم عام یا سازمان‌ها و نهادهای عمومی، بدون حق و نیز تغییر کاربری آن به صورت غیرقانونی است که گاه با ارتکاب سلسله اعمال پیچیده و جااعلان صورت می‌گیرد (نصیری، ۱۳۹۲).

لذا به نظر می‌رسد نیازی به تصویب قانونی برای زمین‌خواری نباشد، چرا که زمین‌خواری نوعی کلاهبرداری است، زیرا و خرید و فروش، معاملات، نقل و انتقالات غیرقانونی صورت گرفته است. زمین‌خواری از مؤلفه‌هایی است که ممکن است در کلاهبرداری مطرح شود. برای رسیدگی به جرم نقل و انتقالات غیرقانونی املاک و اراضی و تصرف آن‌ها که به زمین‌خواری شهرت یافته باید از قوانین مربوط به کلاهبرداری استفاده کرد. زیرا قوانین مشخصی به ویژه قانون مجازات کلاهبرداری، ارتشاء و اختلاس مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام وجود دارد. از این رو می‌توان گفت مواد ۱ و ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی و قانون ثبت اسناد مصوب ۱۳۱۰ در خصوص افرادی که مال

دیگری را مال خود معرفی کرده و برای آن سند دریافت می‌کنند، از قوانین مرتبط با زمین خواری است (نصیری، ۱۳۹۲).

در اینجا باید بر متناسب نبودن سیاست کیفری با جرائم، خاطرنشان کرد: شدت مجازات عامل بازدارنده در ارتکاب جرم نیست. همانگونه که جرائم مربوط به مواد مخدر با سنگین‌ترین مجازات بیش از پیش رو به گسترش است. قانون نمی‌تواند از ارتکاب چنین جرائمی جلوگیری کند و برای پیشگیری از جرائم مربوط به املاک و اراضی باید نظام و سیاست اقتصادی سامان یابد و تنها بر شدت مجازات‌ها تأکید نکند.

مبحث سوم: تغییر غیرقانونی کاربری اراضی: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، اراضی کشور به سه دسته دولتی، متعلق به خاندان پهلوی و اراضی خصوصی یا اربابی تقسیم‌بندی می‌شدند. پس از انقلاب اسلامی، با مصادره اموال خاندان پهلوی به نفع دولت، در حال حاضر نوع مالکیت اراضی ایران به دو دسته اراضی متعلق به دولت (اشخاص حقوقی حقوق عمومی) و اراضی متعلق به افراد و اشخاص خصوصی قابل تقسیم‌بندی است (مشهدی و فیروزی، ۱۳۸۷: ۵۴). طبق آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون حفظ کاربری مصوب ۱۳۸۶، تغییر کاربری عبارت از هر اقدامی است که در قالب ایجاد بنا یا برداشتن یا افزایش شن و ماسه و سایر اقداماتی که بنا به تشخیص وزارت جهاد کشاورزی تغییر کاربری محسوب می‌شود و مانع از بهره‌برداری و استمرار کشاورزی اراضی زراعی و باغ‌ها است. در یک تعریف جامع، تغییر کاربری فضاهای سبز عبارت است از: تبدیل، تخریب و ناتوانمند کردن غیرمجاز فضاهای سبز از حالت باغی و زراعی به فضاهای مسکونی، صنعتی و غیره که منجر به از بین رفتن خاک حاصلخیز، پوشش گیاهی و توان اکولوژیکی آن شده، به طوری که دارای آثار و تبعات منفی طبیعی، زیست محیطی و اقتصادی باشد.

بنابراین از مهم‌ترین گام‌ها در جهت مقابله با تصرف زمین‌های عمومی، افزایش مسئولیت دولت در بهره‌برداری مناسب از زمین و منطبق با منافع عمومی، مشخص کردن دقیق نقشه‌های ثبتی و پیاده کردن کامل نظام کاداستر و اتخاذ قوانین و مقررات شدید علیه متصرفات زمین است (مشهدی و فیروزی، ۱۳۸۷: ۵۴).

مبحث چهارم: حمایت قوانین شکلی در عرضه منابع ملی: بند اول: نهاد کشف جرم در عرضه منابع ملی: مأموران جنگلبانی طبق ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور در صورتی که به موجب حکم سازمان جنگلبانی (منابع طبیعی) مأمور کشف و تعقیب جرائم مذکور در قانون فوق‌الذکر باشند در ردیف ضابطان دادگستری محسوب می‌گردند در صورت وجود شرایط لازم جهت احراز ضابط دادگستری اختیارات و مسئولیت‌های ویژه می‌باشند که به شرح آنها می‌پردازیم. ۱. شرایط ضابط بودن: صرف مأمور جنگلبانی بودن موجب نمی‌گردد که آنها را جزو ضابطان دادگستری به حساب آورد بلکه باید شرایط وجود داشته باشد تا مأمور جنگلبانی دارای اختیارات ضابط باشد و به عنوان ضابط به کشف و تحقیق در جرائم مورد نظر بپردازد. ماده ۵۴

قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶: الف) مأمورانی ضابط محسوب می‌گردند که به موجب احکام سازمان جنگلبانی مأمور کشف و تعقیب جرائم مذکور در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع باشند این احکام جدا از حکم استخدامی با انتصاب مأموران به سمت جنگلبانان در سازمان جنگلبانی است بلکه باید مأموران مورد نظر به موجب حکم ویژه از سوی سازمان به سمت مأمور کشف و تعقیب جرائم مربوطه منصوب شوند. ب) طبق تبصره ۲ ماده ۵۴ مأمورانی به سمت مسئولیت کشف و تعقیب جرائم از طرف سازمان جنگلبانی تعیین می‌شوند که وظایف ضابطان دادگستری را در کلاس مخصوص تعلیم گرفته باشند. پس با دو شرط اساسی: ۱- دارا بودن حکم سازمان جنگلبانی برای کشف و تعقیب جرائم ۲- آموزش وظایف ضابط دادگستری در کلاس مخصوص می‌توانند ضابط باشند. ۲. حدود اختیارات: ضابطان دادگستری علاوه بر آنکه نقش بارزی در کشف جرائم دارند، در شناسایی مجرمان و اجرای دستورات و آرای مقامات قضائی نیز وظایف اساسی بر دوش دارند، به نحوی که در بسیاری موارد گزارش این ضابطان منشأ تعقیب کیفری یا تصمیمات قضائی قرار می‌گیرد و یا به عنوان اشخاص حاضر در صحنه جرم، در رویارویی مستقیم با مجرمان قرار می‌گیرند. بدیهی است آشنایی این ضابطان با قوانین زیست محیطی، تخصص این ضابطان در نحوه تنظیم گزارش‌ها و انجام اقدامات ضروری اولیه در قبال جرائم زیست محیطی در زمره موارد با اهمیتی است که تحقق آن در گرو ضابطان ویژه جرائم زیست محیطی است (پوربافرانی و همتی، ۱۳۹۵: ۳۶۴).

این نکته نیز قابل ذکر است که جنگلبانان ضابط دادگستری زیر نظر رئیس مجتمع قضائی و تحت تعلیم وی انجام وظیفه خواهند کرد. به نظر می‌رسد که مأموران جنگلبانی حق بازداشت ندارند که این خود می‌تواند از خلاءهای قانونی شمرده شود. ۳. مسئولیت‌ها: اهمیت ضابطان خاص در جرائم زیست محیطی (منابع طبیعی و ملی)؛ منحصر به موارد خاص از جمله جنگلبانان، مأموران سازمان حفاظت از محیط زیست در اجرای قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و قانون شکار و صید و مأموران سازمان حفاظت از محیط زیست در اجرای قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها به صورت محدود می‌باشند و هرچند ماده ۳۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاح مقررات مربوط به ضابطان دادگستری گام مثبتی در خصوص الزامی کردن فراگیری مهارت‌های لازم با گذراندن دوره‌های آموزشی تحت نظر مراجع قضائی و تحصیل کارت ویژه برای احراز عنوان دادگستری برداشته است که نسبت به قانون سابق آئین دادرسی کیفری، اقدام مثبت و گامی روبه جلو محسوب می‌شود، ولی با توجه به اینکه آموزش‌های عمومی ناظر به مواردی همچون تشخیص حقوق و تکالیف ضابطان و اشخاص در مواجهه با جرائم مشهود و غیر مشهود است و نه آموزش‌های تخصصی مربوط به دعوی فنی زیست محیطی، تا رسیدن به نقطه مطلوب همچنان فاصله است و ضرورت تشکیل ضابطان دادگستری خاص جرائم زیست محیطی به صورت عام الشمول به نظر می‌رسد (همان، ص ۳۶۵). به نظر می‌رسد وظیفه کشف جرم در

جرائم منابع طبیعی مطابق ماده ۲۲ آئین دادرسی کیفری علاوه بر ضابطان عام که شامل فرماندهان، افسران، و درجه داران نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که آموزش مربوط را دیده باشند، مطابق بند (ب) ماده ۲۹ قانون مذکور به عهده مأموران جنگلبانی تحت عنوان ضابط خاص قرار گرفته است. علاوه بر آن ماده ۵۴ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل‌ها و مراتع نیز مأموران جنگلبانی را مأمور کشف جرائم مذکور می‌داند و این در حالی است که فقط منحصر به کشف جرائم مذکور در این قانون می‌باشد و شامل سایر جرائم مرتبط نمی‌شود و این خود نقصی است که بر قانون و سیستم دادرسی کیفری وارد است که در اینجا سیستم دادرسی افتراقی را می‌طلبد. علی‌ایحال اختصاص دادگاه‌های اختصاصی و وسعت اختیارات ضابطین و مأموران جنگلبانی همانند ضابطین خاص در جهت کشف و تعقیب جرائم علیه منابع طبیعی و ملی می‌تواند گام مؤثری در جهت مبارزه با جرائم مذکور باشد.

بند دوم: نهاد تعقیب در عرصه منابع ملی: با صنعتی شدن جوامع و گسترش شهرها و تراکم جمعیت انسانی در شهرهای بزرگ با معضل آلودگی هوا و همچنین تخریب منابع طبیعی مواجه شده‌ایم که این امر باعث سلب طبیعی‌ترین حق ساکنان این گونه شهرها شده است و هر سال به مثابه بختکی وحشتناک مانع تنفس هوای پاک و سالم شده است. این ستم، ناقض بزرگ‌ترین حقوق انسانی محسوب و حیات شهروندان را به خطر انداخته است. حال چنانچه منابع طبیعی تخریب شود و جرم زیست محیطی به وقوع بپیوندد دادستان به عنوان مدعی العموم چه اختیاراتی در این زمینه دارد؟ قانونگذار سازمان‌های متولی و مسئول در زمینه منابع طبیعی را تبیین و مشخص کرده است و از سوی دیگر قانون اساسی در اصل پنجاهم به روشنی تخریب منابع طبیعی و آلودگی هوا را جرمی عمومی پنداشته و از سوی دیگر تکلیفی برای همگان در برخورد با آن را بیان کرده است (احمدی نیاز، ۱۳۹۲: ۵). به نظر می‌رسد در همین راستا ماده ۱ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ در تعریف آئین دادرسی کیفری یکی از دلایل وضع آن را تعقیب متهم عنوان کرده است و بلافاصله در فصل اول این قانون در ماده ۲۲ تعقیب متهم را برعهده دادرسی عمومی و انقلاب و در معیت دادگاه‌های آن حوزه قرار داده که در رأس آن دادستان می‌باشد. بنابراین دادستان به عنوان مدعی العموم در واقع دارای حق تعقیب جرائم منابع طبیعی است. ضابطان دادگستری نیز تحت نظارت و تعلیمات دادستان در جهت تعقیب مرتکبین جرائم در عرصه منابع طبیعی و ملی می‌توانند اقدام بنمایند. باید افزود سازمان‌های مردم نهاد نیز که ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ به آن پرداخته است، مطابق قانون می‌توانند اعلام جرم کنند، بنابراین این اختیار را دارند که در خصوص جرائم مرتبط با منابع طبیعی و ملی هم اعلام جرم کنند که منجر به تعقیب آنها توسط دادستان می‌شود. قانونگذار در ماده ۶۶ بیان می‌کند: سازمان‌های مردم نهاد در باره حمایت از اطفال و نوجوانان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی اعلام جرم کنند. بنابراین سازمان‌های مردم نهاد می‌توانند در زمینه منابع طبیعی هم فعالیت داشته باشند.

بند سوم: نهاد تحقیق در عرصه منابع ملی: پس از وقوع پدیده مجرمانه زیست محیطی (و منابع ملی) دادرسی جزائی به مفهوم عام آن با کشف جرم توسط پلیس قضائی یا ضابطان قوه قضائیه آغاز می‌شود و با تحقیقات ادامه می‌یابد در این مرحله است که دادسرا و مقامات قضائی آن مسئولیت خطیر اجرای تشریفات آئین دادرسی کیفری را به منظور تحقق عدالت کیفری و انجام یک دادرسی عادلانه در دادگاه عهده دار شده و پرونده را پایه گذاری می‌کنند (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۱۲). به نظر می‌رسد قانونگذار بر اساس ماده ۲۲ آئین دادرسی کیفری وظیفه تحقیق را بر عهده دادرسی عمومی و انقلاب آن حوزه قضائی قرار داده که دادستان این وظیفه را انجام می‌دهد پس مشاهده می‌شود که در تحقیقات مقدماتی جرائم مربوط به منابع طبیعی دادستان حق تحقیقات مقدماتی را دارد. ضابطان دادگستری نیز در تحقیقات مقدماتی تحت تعلیمات دادستان به موجب قانون می‌توانند اقدام کنند. پیشنهاد می‌گردد با توجه به اهمیت و حساسیت بالای جرائم علیه منابع ملی نهاد تحقیق ویژه‌ای از ضابطین در دادسرا در هر حوزه قضایی با تشخیص رئیس دادگستری در نظر گرفته شود، متشکل از افرادی خبیره و کارآموده‌ای که دوره‌ها و آموزش‌های تخصصی را گذرانده باشند.

بند چهارم: نهاد اجرای احکام در عرصه منابع ملی: اجراء (به کسر همزه) به معنی راندن، روان ساختن، جاری کردن (عمید، ۱۳۷۵: ۹۱). انجام دادن (آذرتاش، ۱۳۶۳: ۱۵) به جریان انداختن و اقدام به اعمالی برای به مرحله عمل در آوردن حکم قضائی را گویند (طیبیان، ۱۳۸۰: ۴۹) و در اصطلاح، به کار بردن قانون یا به کار بستن احکام دادگاه‌ها و مراجع رسیدگی اداری یا اسناد رسمی را اجراء گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷: ۹-۱۰). در اصطلاحات اجرای احکام، اجراء اسناد رسمی، اجراء مالیاتی، اجراء موقت، اجرائیه، اجرائیه ثبتی، اجرائیه دادگاه، اجرائیه سند ذمه‌ای، اجرائیه سند رهنی، اجرائیه سند شرطی، ورقه اجراء و ضمانت اجراء، اسناد لازم الاجراء، اجرای قرار، اجرای معاینه و تحقیق محلی، اجرای مقررات و اجرای قانون، اجرای رأی داور، اجراء مدنی، اجراء کیفری و... به کار رفته است (بهرامی، ۱۳۸۱: ۴۵). اجراء حکم در دو معنای عام و خاص استعمال شده است: معنای عام آن شامل ابلاغ اجرائیه دادگاه تا مرحله تحویل محکوم به، به محکوم له را گویند و در معنای خاص، تحقق بخشیدن مدلول حکم را اجراء می‌نامند که شامل ابلاغ نمی‌شود اجرای احکام مدنی در مقابل اجرای احکام کیفری است (بهرامی، ۱۳۸۲: ۴).

الف) اجرای احکام کیفری. پس از آنکه جرم توسط ضابطان و مأموران منابع طبیعی کشف گردید و توسط دادستان که در جایگاه مدعی العموم قرار دارد مورد تعقیب قرار گرفت و پس از انجام تحقیقات و طی مراحل دادرسی و احراز مجرمیت توسط مرتکب و صدور حکم محکومیت نوبت می‌رسد به آخرین مرحله از دادرسی که همان اجرای حکم است. مطابق ماده ۲۸۱ اجرای احکام کیفری اجرای این مرحله از دادرسی در هر حال با دادگاه بدوی صادر کننده حکم یا قائم مقام آن می‌باشد که در ماده ۴۸۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اجرای



احکام کیفری را برعهده دادستان قرار داده و معاونت اجرای احکام کیفری تحت ریاست و نظارت دادستان و در مناطقی که رئیس قوه قضائیه تشخیص می‌دهد، در دادرسی عمومی عهده دار این وظیفه است. این معاونت به تعداد لازم قاضی اجرای احکام کیفری، مددکار اجتماعی، مأمور اجراء و مأمور مراقبتی در اختیار دارد. مطابق قانون اساسی و قوانین جاری به کلیه دعاوی حقوقی و کیفری در عرصه منابع طبیعی و ملی در محاکم دادگستری رسیدگی می‌شود و مانند سایر منازعات در چارچوب قوانین آئین دادرسی مدنی و آئین دادرسی کیفری مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. ب) اجرای احکام حقوقی. مطابق قوانین جاری، رسیدگی و اجرای حکم چه در حوزه حقوقی و چه در حوزه کیفری در جرائم علیه منابع طبیعی و اراضی ملی در محاکم دادگستری همچون سایر جرائم انجام می‌گیرد. به نظر می‌رسد اجرای احکام کیفری و حقوقی جرائم در عرصه منابع طبیعی و ملی با نقص مواجه است چرا که این روند رسیدگی در دادگاه‌ها با توجه به ازدحام پرونده‌ها و از طرفی کم اهمیت بودن این قبیل از جرائم در نزد قضات نسبت به سایر جرائم می‌تواند باعث کند شدن روند دادرسی و در نهایت اطاله دادرسی گردد. علیهذا نیاز به تأسیس شعبه اجرای احکام خاصه جرائم علیه منابع طبیعی و ملی احساس می‌شود.

### نتیجه گیری

از جمله معایبی که در حقوق کیفری شکلی به نظر بسیار مهم می‌باشد رسیدگی دست و پاگیر و طولانی مدت و تشریفاتی است که در قانون برای رسیدگی کمیسیونها به جرائم و تخلفات در عرصه منابع ملی پیش بینی شده است و وجود اعضای هفت نفره و تشکیل جلسات دارای تشریفات قانونی و زمان بر می‌باشد و عیب دیگری که در این مورد وجود دارد به حد نصاب رسیدن اعضای رسیدگی در جرائم و تخلفات است. بر این اساس پیشنهاد می‌شود در این مورد در قانون بازنگری اساسی صورت بگیرد و این تشریفات بر چیده شود. از جمله نواقصی که ملموس می‌باشد نبود شعب خاص رسیدگی به جرائم و تخلفات در عرصه منابع طبیعی به طور جدی است که با وجود این شعب و تخصصی شدن رسیدگی در این عرصه سرعت رسیدگی به طور حتمی افزایش خواهد یافت و این رسیدگی تخصصی هم مردم و هم سازمانهای ذی ربط و هم قضات را از سرگردانی نجات خواهد داد و اطاله رسیدگی و طولانی شدن رسیدگی را به حداقل خواهند رسانید. از سوی دیگر آموزش ضابطان خاص در خصوص جرائم خاص زیست محیطی و در مجموع کاهش اطاله دادرسی نیز برای آن باید مدنظر قرار بگیرد. شکلگیری هدفمند موارد مطرح شده باید با نظارت نهاد قضائی و به کارگیری قضات آموزش دیده و آشنا به مقررات خاص با رسیدگی خارج از نوبت و صدور احکام قاطع و بازدارنده در کنار اجرای به موقع احکام صادرشده، همچنین فراهم کردن قوانینی کارآمد همراه با اصلاح قوانین سابق انجام شود و پیشنهاد می‌گردد اجرای احکام کیفری و اجرای احکام مدنی نیز مستقل و در کنار دادگاه‌های اختصاصی قرار بگیرد.

## منابع

- آذر تاش، آذرنوش. (۱۳۶۳). مجمع اللغات "فرهنگ مصطلحات به چهار زبان"، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام. آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح قانون حفظ کاربری مصوب ۱۳۸۶.
- ابوالحسنی، بهروز. (۱۳۸۸). نقش دادستان در تجدیدنظر خواهی از آراء کیفری، تهران نشرات جنگل ص ۱۲.
- احمدی نیاز، حسین. (۱۳۹۲). آلودگی هوا نقض حقوق شهروندی، روزنامه قانون.
- اعمال مقررات مربوط به مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک.
- اکبرآبادی، بهزاد. (۱۳۹۱). نا کارآمدی سیاست جنایی ایران در برخورد با جرائم طبیعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- بهرامی، بهرام. (۱۳۸۱). آئین دادرسی مدنی (کاربردی)، تهران، انتشارات بهنامی، چاپ پنجم.
- بهرامی، بهرام. (۱۳۸۲). اجرای احکام کیفری، تهران: انتشارات نگاه بینه، چاپ اول.
- پوربافرانی، حسن و همتی، مرضیه (۱۳۹۵). نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست محیطی، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و سوم، شماره ۸۷، ص ۳۶۴.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر. (۱۳۷۷). ترمینولوژی حقوق، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ نهم.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت‌نامه، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۴ جلدی.
- سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور. (۱۳۸۸). عملکرد سی ساله، تهیه و تدوین: گروه کارشناسان دفتر برنامه ریزی و بودجه، تهران: نشر پونه، چاپ اول.
- سماوی، محمدرضا. (۱۳۹۲). تشخیص اراضی ملی از مستثنیات قانونی و اعتراض به آن، پایان‌نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی.
- طیبیان، سید حمید. (۱۳۸۰). فرهنگ لاروس، تهران، انتشارات: امیرکبیر جلد اول.
- عزتی، سیف‌اله مراد، مهرگان، نادر، ملکی شهریور، مجتبی. (۱۳۹۵). اثرات کوتاه مدت و بلند مدت درآمدهای نفتی بر فساد اقتصادی در ایران، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، دوره ۱۶، شماره ۲، صفحات ۷۳-۹۸.
- عمید، حسن. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی عمید، ۲ جلدی، جلد دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ نهم.
- قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲.
- قانون تشکیل وزارت منابع طبیعی مصوب ۱۳۴۶/۹/۲۷
- قانون حفظ کاربری اراضی زراعی و باغ‌ها مصوب ۱۳۷۴
- قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب ۱۳۴۱ / ۱۰ / ۲۷
- کردوانی، پرویز. (۱۳۶۹). منابع طبیعی و ثروت‌های طبیعی، فصلنامه جنگل و مرتع، سال دوم، شماره هفتم، ص ۱۹.
- مشهدی، علی و فیروزی، مسعود. (۱۳۸۷). نگاهی به نظام حقوقی مالکیت زمین و ارتباط آن با پدیده زمین‌خواری، مجله اطلاع‌رسانی حقوقی، شماره ۱۶.
- مهدوی، حسین و غفاری، محمد. (۱۳۹۰). بررسی جرم زمین‌خواری از طریق تصرف و تغییر غیر قانونی کاربری اراضی، مجموعه مقالات اولین همایش تخصصی توسعه کشاورزی استان‌های شمال غرب کشور، مشکین شهر، دانشگاه پیام نور، ۱۸ و ۱۹ آبان ماه.
- میراحسنی، زهرا. (۱۳۹۱). تحلیلی بر الگوی مفهومی ترکیب منابع ملی در توسعه، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۴.
- نصیری، مراد. (۱۳۹۲). جرم زمین‌خواری از طریق تصرف و تغییر غیر قانونی کاربری اراضی، نشریه تعالی حقوق، دادسرای عمومی و انقلاب تهران، شماره ۱۶ و ۱۷.

## Legislative Criminal Policy of Iran on control of crime and social anomalies

Alireza Shakarbaigi<sup>\*1</sup>

Moein Moradi<sup>2</sup>

### Abstract

In today's world, economic security in the national resources of a country and the health of the financial and economic relations of individuals and institutions is the foundation of the security of a society. Providing advanced and dynamic economic infrastructure is a factor for national power but the durability of this power is the health and transparency of economic activity. Today, the need to control economic corruption in national resources and the need for a criminal policy in society is quite tangible. According to available quantitative and qualitative sources of national crime crimes Is increasing in the country, on a daily basis, we are witnessing the news about the seizure of agricultural land, natural resources, mines, and other national resources. Therefore, according to the above, the purpose of this research is to control the crimes and social anomalies, including economic corruption related to national resources (land degradation), and this requires the adoption of appropriate criminal policy in each legislative, executive, judicial and participatory process. Methodology is descriptive-library research. Findings of the research in the form of 4 topics showed that in the area of substantive criminal law related to crimes of earthquake Firstly, proper crime is not committed and there are certain disadvantages and disadvantages. Secondly, the penalties imposed are not appropriate in terms of the type and severity of the criminal deterrence aspect. Conclusion The necessary research (adopting a scientific and ethical criminal policy with the active participation of various bodies of governance in the field of legislative, judicial and executive criminal law) By attracting public participation (in line with cooperative criminal policy), it is control of economic corruption in the territory of national resources.

**Keywords:** Criminal policy, Legislative policy, Economic welfare, Land degradation.

---

<sup>1</sup> Department of Law, Payame Noor University, Tehran I.R of Iran.

Corresponding Author: E-mail: ali.shakarbaigi@gmail.com

<sup>2</sup> Master of Law, Payame Noor University, Tehran I.R of Iran.